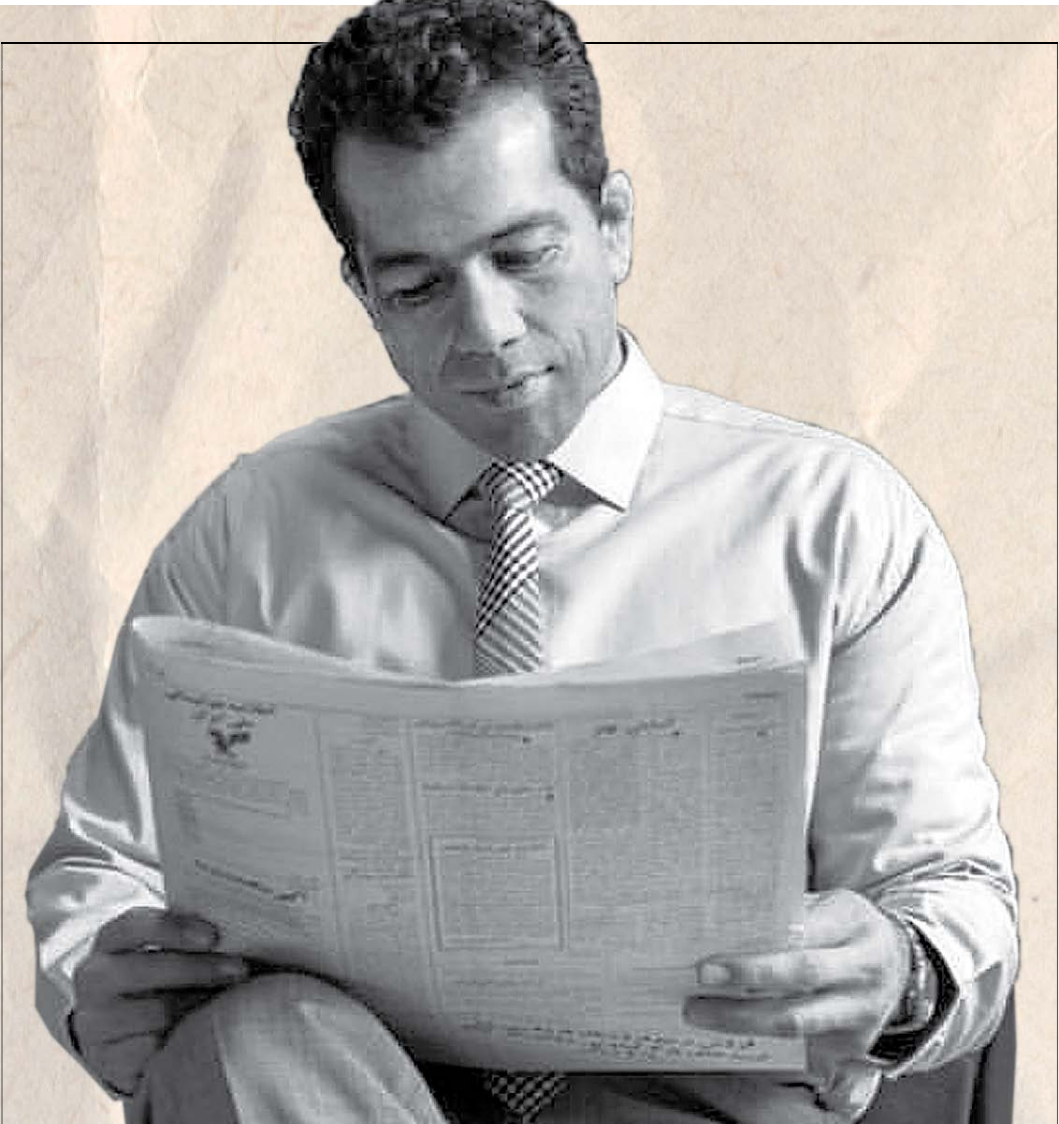




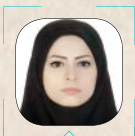
یک اتفاق تازه

آخرین آمارهای فروش هفتگی گیشه سال ۹۷ در حالی این هفته مشخص شد که در یک اتفاق جدید، نام دو فیلم سینمایی «متری شیش و نیم» و «غلامرضا تختی» که از فیلم‌های اکران نوروزی هستند پیش از اکران رسمی در جدول «سامانه فروش سینمای ایران» قرار گرفته است.



گفت وگو با شاه‌رخ شهبازی، بازیگر فیلم «غلامرضا تختی»

آرزو داشتم نقش جنازه آقا تختی را بازی کنم!



سانا زقنبری

سینما

«من بیشتر وقت‌ها با کتاب‌های پلیسی و یادداشت‌های فاتحین و مغلوبین جنگ‌های گذشته، خود را سرگرم می‌کردم و خواندن آنها همیشه اثر خوبی در روحیه من باقی می‌گذارد، به خصوص این‌که هیتلر را با تمام حماقتش دوست داشتم؛ این‌که می‌گویم دوست داشتم، نه این‌که خیال کنید او را آدمی لایق می‌دانم نه. من به او احترام می‌گذارم به واسطه این‌که او بزرگ‌ترین درس زندگی را به من یاد داد که چگونه باید با دشمنان ستیز کرد و در هر راه مشکلی، به هدف رسید.»

ت: غلامرضا تختی، کیهان ورزشی، دی‌ماه ۴۶

فکر نمی‌کنم روزی برسد که مردم این سرزمین داستان بوئین زهرا، گل‌ریزان و وزله را از یاد ببرند. اصلا چرا راه دور برویم مگر می‌شود کسی مردانگی، ایثار، شرافت، بزرگواری و عشق را فراموش کند؟ مگر انسانیت در این دنیا کم می‌شود؟ پهلوان، قهرمان، جهان پهلوان و... تمام القابی است که مردم این سرزمین برای اسطوره ورزشی‌شان گذاشتند. اسطوره‌ای که از هیچ چیز به همه چیز رسید، اما ریشه‌هایش را فراموش نکرد و سربلند ماند و رفت.

سال‌ها پیش مرحوم علی حاتمی بنا داشت تا فیلمی درباره تختی بسازد که بیماری و در نهایت مرگ مهلتش نداد و بعد از ده سال پهلوز افخمی این فیلم را با نگاه خودش به انتها رساند. نگاهی که بیشتر مستندگونه بود تا یک فیلم داستانی و ماجرایش دقیقا از جایی شروع می‌شد که علی حاتمی از دنیا رفته بود و یک کارگردان (با بازی فریبز عرب‌نیا) قصد تمام کردن آن را داشت.

افخمی فیلمش را با تم معمایی، جنایی ساخت، اما معمای مرگ تراژیک تختی حل نشده باقی ماند و مردم مدام در پی خودکشی یا قتل تختی بودند! انکار قرار بود نحوه مرگ تختی چیزی از ارزش‌های مردم دار بودنش، سرخم نکردنش و اسطوره بودن و ماندنش کم کند یا نه آن بیفزاید. اوایل اردیبهشت امسال بود که خبر ساخت فیلم زندگی تختی توسط بهرام توکلی به طور رسمی رسانه‌ای شد. بهرام توکلی با همان جسارت همیشگی‌اش دست روی زندگی کسی گذاشت که با وجود محبوبیت مردمی و کاریزمای شخصیتی، اما و اگرهای پیرامونش زیاد بود، به قدری زیاد که کار را برای سازندگان اثر سخت می‌کرد.

توکلی اما، بالاخره غلامرضا تختی را ساخت. اثری که قطعا متفاوت‌ترین فیلم در کارنامه بهرام توکلی است. برای توکلی چندان اهمیتی نداشت که تختی چطور مردا کم‌الین که قبل از شروع داستان به مخاطب می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند همه چیز را درباره تختی می‌داند و از این طریق خود را از درستی یا غلط بودن روایت داستانش مبرا می‌سازد. برای توکلی مهم، نحوه زندگی کردن تختی است. این‌که چطور می‌شود «اسطوره شد» و «اسطوره ماند». این‌که تختی چطور زیست که بعد از گذشت پنج دهه مردم او را هنوز مرده نمی‌پندارند.

در این میان شاه‌رخ شهبازی، نابازیگر نقش تختی با گرمی دلنشین به خوبی توانست تصویر زیبایی از این قهرمان ملی برای مخاطب به یادگار بگذارد. شهبازی شیفته تختی است و متولد یکی از محلات قدیمی کرمانشاه. او بازی در نقش اسطوره کشتی ایران را جزو آرزوهای تمام سال‌های زندگی‌اش می‌داند و من را به این باور می‌رساند که مثل این‌که راست می‌گویند که: «آرزوهای تان را جدی بگیرید.» شهبازی حرف‌های زیادی در مورد جهان پهلوان دارد، حرف‌های او که کشتی درگ و جانش جاری است حتما خواندنی است.

البته این‌طور نبود که اصلا تجربه بازیگری نداشته باشم. من سال‌ها پیش در صدا و سیما ایستان کرمانشاه چند کار تصویری کوتاه انجام داده‌ام، اما قبل از هر چیز بازی در این نقش را از محبت کائنات و خدا می‌دانم. شباهتی که به مرحوم تختی دارم همیشه ریانز اطرافیان بود و خودم راستش

آن‌طور که ایسنا گزارش داده در یک اقدام جدید در سامانه فروش سینمای ایران نام دو فیلم متری شیش و نیم و غلامرضا تختی از آثاری که به عنوان فیلم‌های نوروزی قرار گرفته‌اند و بنابر گفته سخنگوی کارگروه اکران قرار است از امروز (شنبه ۲۵ اسفندماه) اکران خود را آغاز کنند، اضافه شده است و آمار فروش آنها

و دیگر اطلاعاتی مانند تعداد مخاطبان و روزهای اکران و سینماهایشان نیز درج شده است؛ به نظر می‌رسد چون تنها این دو فیلم (در میان فیلم‌های نوروزی) در ایام جشنواره فیلم فجر نمایش داشتند، این اطلاعات و آمارها حاصل نمایششان در زمان جشنواره است.

را بخواهید خیلی به آن افتخار می‌کردم. هر که به من می‌رسید می‌گفت چقدر شبیه آقا تختی هستی. حتی خاطرم هست بچه‌هایی که اسپند دود می‌کنند وقتی وارد مغازه من می‌شدند به من می‌گفتند عمو، هر مغازه‌ای که می‌رویم عکس تو آنجاست و من برایشان توضیح می‌دادم که این عکس آقا تختی است، نه من. سال ۷۲.۷۳ که در صدا و سیما ی استان کرمانشاه به عنوان بازیگر مشغول کار بودم، یک روز رئیس صدا و سیما ی آنجا من را دید و گفت «چقدر شبیه تختی هستی!» و اتفاقا او بود که گفت مرحوم علی حاتمی در حال ساخت فیلمی از زندگی تختی است. بعد از گفته ایشان از کرمانشاه به تهران آمدم و با علی حاتمی برای بازی در نقش دوره جوانی غلامرضا تختی دیداری داشتم که در نهایت نشد که بشود. اما آرزوی بازی در نقش تختی در دل من ماند و جالب است بدانید که این آرزو تا جایی برای من پرنگ بود که بارها به دوست و آشنا می‌گفتم که دلم می‌خواهد حتی شده در نقش جنازه آقا تختی بازی کنم. من بارها این جمله را گفتم و هر کسی که آن را می‌شنید می‌خندید! تا بالاخره در حالی که بعد از سال‌ها تجربه کشتی‌گیری، کار آزاد و کارمندی در وزارت بازرگانی (به واسطه دایی خدایبامرزم) وقتی الان که دفتر مشاور املاک در تهران دارم بالاخره خدا خواست و این امکان برایم مهیا شد تا در نقش اسطوره همیشگی زندگی‌ام بازی کنم.

ت: به نظر شما یی که آن زمان با مرحوم حاتمی راجع به این فیلم صحبت کرده بودید، خروجی انتهایی این فیلم شد آنچه مرحوم حاتمی در ذهن داشت؟

اظهار نظر در این رابطه در حوزه تخصصی من نیست و این سؤال را باید کارشناسان سینما جواب بدهند. من به این حوزه ورود نمی‌کنم. **ت: با وجود تمام فیلم‌ها و مستنداتی که درباره تختی ساخته شده آیا به نظر شما در نهایت سینما توانسته تصویری درست از اسطوره کشتی‌کشورمان نشان دهد؟**

به هر حال زندگی پر فراز و نشیب تختی سؤال‌های بی‌جواب زیادی دارد که اصلا جوابی برای آنها نیست و حتی خود کارگردان هم در این فیلم عمدا سراغ کشف جواب این پرسش‌ها نمی‌رود. اصلا لزومی هم ندارد جواب این سؤالات را کشف کند. حرف فیلم چیز دیگری است. مردم عاشق قهرمان‌هایی هستند که از هیچ چیز به همه چیز می‌رسند. آنها عاشق قهرمان‌هایی هستند که از نداری به دارایی می‌رسند و در مقابل ظلم سر خم نمی‌کنند و فیلم تمام چیزهایی که باید نشان بدهد را می‌دهد. بارها در طول فیلم صحنه‌هایی را می‌بینیم که مردم برای کمک به آقا تختی مراجعه می‌کنند و او شده از جیب خودش یزند به آنها کمک می‌کند یا اصلا او خودش برای کمک به دیگران قدم پیشقدم می‌شود. فیلم عشق مردم به تختی را اقتدر قشنگ نشان می‌دهد که مردم متأثر می‌شوند و سالن ا تارک می‌کنند.

ت: الان که بعد از سال‌ها به آرزوی تان رسیدید و نقش مرحوم تختی را بازی کردید، چه احساسی دارید؟

من افتخار می‌کنم که نقش آقا تختی را بازی کردم. قطعا من هم به واسطه بازی در نقش ایشان ماندگار شدم و تا سال‌ها مردم هر زمان که این فیلم را می‌بینند از من هم یاد می‌کنند. این فیلم نیاز جامعه امروز ماست و امیدوارم نسل جوان با دیدن منش و شیوه زندگی آقا تختی بدانند که یک انسان بیخود و بی‌جهت تبدیل به یک اسطوره نمی‌شود. مرام، شرافت، معرفت و مردانگی ویژگی‌هایی است که یک انسان را به معنای واقعی کلمه انسان می‌کند. تختی شخصیتی مردمدار بود و یک ایران عاشق‌اش بودند. او از طبقه فرودست جامعه بود و به هر جایگاهی هم که رسید هیچوقت اصل و ریشه‌اش را فراموش نکرد. کم‌الین‌که بعد از رفتن او ۷ نفر در ایران خودکشی کردند که فجعی‌ترین آنها همشهری خود ما بود. همان قصابی که پشت شیشه مغازه‌اش نوشت: «جهان بدون جهان پهلوان معنی ندارد» و خودش را وزیران فئاره (چنگکی که در قصابی جسد حیوانات را به آن آویزان می‌کنند) کرد یا بوکسوری از شهرری که خودش را در حمام کشت و...

ت: شما چرا کشتی را رها کردید؟

من از ۱۵ - ۱۴ سالگی تا ۲۵ - ۲۴ سالگی در سطح استانی کشتی می‌گرفتم و مقام‌هایی

هم کسب کردم، اما مشغله زندگی و کار باعث شد به تهران بیایم و در تهران در وزارت بازرگانی، بازرس فروشگاه‌های شهر و روستا مشغول شوم. این روند ادامه داشت تا این بخش منحل شد و به سمت کار آزاد آمدم تا رسید به الان که صاحب یک مشاور املاک هستم.

ت: الان چقدر از کشتی خبر دارید؟

هنوز هم اخبار آن را دنبال می‌کنم. الان که آقای غلامرضا محمدی، سرمربی تیم ملی کشتی است و رئیس فدراسیون کشتی هم قرار است عوض شود و تا جایی که مطلع‌ام یک سری از بزرگان کشتی کانیدا هستند که امیدوارم هر آن‌که این سمت را به عهده می‌گیرد تیم را به بالاترین درجات کشوری و جهانی برساند.

ت: با توجه به این‌که از نوجوانی کشتی می‌گرفتید و شیفته مرام و مسلک تختی بودید، پیش می‌آمد که در جریان فیلمبرداری در حد گفتن چند دیالوگ یا اظهار نظری مربوط به شیوه زندگی آن مرحوم به کارگردان نکاتی را بگویید؟

این فیلم دوره‌هایی از زندگی آقا تختی را در کودکی، جوانی و بزرگسالی نشان می‌دهد و من همراه دو نفر دیگر سه بازیگری بودیم که نقش تختی را در سنین متفاوت بازی کردیم. همه ما در طول فیلمبرداری تابع گفته آقای توکلی و ملکان بودیم. بهرام توکلی با مهربانی به من و بقیه دوستان بسیار کمک کرد و سعید ملکان هم مانند یک برادر از من حمایت کرد که جا دار همیشه‌جا از هر دوی آنها و تمام عوامل گروه تشکر کنم. من در طول فیلمبرداری خودم چیزی به نقش اضافه نکردم، اما آن قدر از کودکی عکس‌های آقا تختی را دیده بودم که خوب بلد بودم زمان عکس و فیلمبرداری مدل ایشان بایستم و بنشینم و....

ت: با وجود این در طول کار هیچ وقت حس نکردید از پس نقش بر نمی‌آیید و لازم است بازیگر حرفه‌ای نقش را بازی کند؟

من خودم از خانواده کشتی هستم و همان‌طور که گفتم با راهنمایی‌های آقای توکلی و ملکان از نظر خودم می‌توانستم آنچه را که باید انجام دهم.

ت: به نظر خودتان غلامرضا تختی در فیلم بهرام توکلی چقدر متفاوت بود از غلامرضا تختی‌ای که شما در ذهن خودتان داشتید؟
به تصویر کشیدن تمام زندگی آقا تختی خیلی مشکل است، به خصوص درباره مرگ او روایت‌های مختلفی وجود دارد و همین مسئله کار فیلمسازها را برای ساخت یک اثر درباره او سخت می‌کند. به نظرم بهرام توکلی با جستاری شایسته طوری از این اسطوره مردمی سخن گفته که آرام‌آرام بیننده را به این نتیجه می‌رساند که بیشتر از آن‌که مرگ تختی مهم باشد، شیوه زندگی اوست که مهم است. می‌خواهم بگویم شیوه زندگی آقا تختی بود که او را اسطوره کرد. نه راز و رمز چگونه مردنش و این دقیقا همان نکته‌ای بود که در باور من از تختی از کودکی تا به امروز وجود داشته.

ت: در جریان فیلمبرداری با پسر مرحوم تختی، آقای بابک تختی صحبتی هم داشتید؟
نه. ایشان فکر کنم حدود ۵۴ - ۵۱ سال داشته باشند و الان ساکن امریکا هستند.

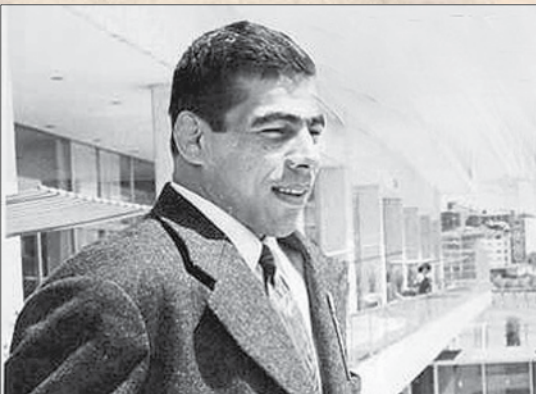
ت: حالا که وارد فضای حرفه‌ای بازیگری شده‌اید، دوست دارید آن را ادامه دهید؟

اگر در حد و اندازه شما یل آقا تختی باشد و به شان آقا تختی لطمه وارد نکنند را بازی می‌کنم. این نقش وظیفه سنگینی بر دوش من گذاشت که باید آن را حفظ کنم. زمان اکران جشنواره‌ای فیلم مردم نسبت به من بسیار لطف داشتند. حتی در اکران فیلم در سینما فرهنگ خانمی حدود ۷۰ ساله آمد و به من گفت پسر تو چه کار کردی که خدا این نان را در کاسه‌ات گذاشت؟ قطعا این فیلم الان که اکران عمومی شده از استقبال بیشتری برخوردار می‌شود و همین مسؤولیت من را سنگین‌تر می‌کند.

ت: خودتان چقدر اهل فیلم و سینما هستید؟

خاطرم هست زمانی که فیلم تاراج ایرج قادری را دیدم خیلی در آن غرق شدم و از همان زمان سینما را دوست داشتم و آن را کم و بیش دنبال می‌کردم.

ت: اگر بخواهید در یک جمله غلامرضا تختی را توصیف کنید، چه می‌گویید؟
تختی یک انسان بود.



جهان پهلوان تختی



این چه استدلال بیهوده‌ای است؟!



جهان پهلوان تختی

بابک تختی، پسر جهان پهلوان تختی که به تازگی برای نخستین بار از مرگ پدرش سخن گفته، دروغ شهیدسازی تختی را ناشی از گفته‌های جلال احمد دانسته. او با اشاره به صحبت‌های چندی پیش جمشید مشایخی که خودکشی تختی را ناشی از بی‌مهری‌های همسرش دانسته، تاکید کرد: به قول آقای مشایخی تختی نمی‌توانست بازنش زندگی کند.

اصلا این تختی نیست که شما می‌شناسید آقای مشایخی، اصلا تختی لات و لمپن نبوده. تختی اگر شعبان جعفری را در خیابان می‌دید مسیرش را عوض می‌کرد، عارش می‌آمد که کشتی با این لات و لمپن‌ها قاطی شده. این تختی شما و ما و من نیست. تختی مگر عقب‌مانده بود که نتواند از زنش طلاق بگیرد؟ استوارترین دوستی‌ها هم با هم اختلاف دارند. منظور شما این است که شله‌ا به تختی خیانت کرده و او که نمی‌توانست تاب بیاورد خودش را کشته‌است؟ این چه استدلال بیهوده‌ای است؟! تختی را نکشتند. من تصور می‌کنم تختی رفته بود هتل به این امید که شاید یکی سراغش بیاید و نجاتش بدهد. وگرنه می‌توانست برو د باغ خودش. تختی آگاهانه دست به این انتخاب زد. نمی‌توانست پیش بینی کند که ۱۱ سال بعد انقلاب خواهد شد و آقای ساعد دچار گرفتاری می‌شود وگرنه در هتل این کار را نمی‌کرد. تختی در آخر زندگی راهی برای مبادله عاشقانه با مردم‌ش را نداشت. نه می‌توانست کشتی بگیرد، نه می‌توانست انقلاب کند، نه می‌توانست از مصدقش دفاع کند. هیچی برایش نمانده بود. این بزرگ‌ترین مانعی بود که از عهده حل کردنش برنیامد.

روزنامه‌ها در زمان مرگ تختی

